

تحریم‌های اتحادیه اروپا و فرسایش اصول اساسی حقوقی:

حسین دوغرو روزنامه‌نگاری است که کارهایش بر موضوعات حساس سیاسی تمرکز داشته، از جمله گزارشگری در مورد فلسطین و اوکراین. گزارشگری و اظهارنظرهای عمومی او توجه مقامات اروپایی را جلب کرده و او تحت چارچوب تحریم‌های اتحادیه اروپا، به طور خاص **مقررات شورای (اتحادیه اروپا) ۲۰۲۴/۲۶۴۲**، به همراه اصلاحات آن (به ویژه مقررات ۲۰۲۵/۹۶۵ که لیست شدن او را منعکس می‌کند)، در مورد اقدامات بی‌ثبات‌کننده اتحادیه و کشورهای عضو آن، مشمول اقدامات محدودکننده شده است. به طور قابل توجه، آقای دوغرو با هیچ جرم کیفری متهم نشده و هیچ دادگاهی حکم نداده که او قوانین داخلی یا بین‌المللی را نقض کرده است. تحریم‌های اعمال شده بر او اقدامات اجرایی هستند که خارج از چارچوب proceedings کیفری اتخاذ شده‌اند.

اتهامات علنی مطرح‌شده علیه آقای دوغرو نه به رفتار کیفری مربوط می‌شود، بلکه به ارزیابی کارهای و سخنان او به عنوان allegedly نامناسب، مضر یا نامطلوب تحت اهداف سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا مربوط است. این ارزیابی‌ها در یک فرآیند قضایی adversarial آزمایش نشده‌اند و آقای دوغرو قبل از یک دادگاه مستقل و بی‌طرف فرصت شنیدن نداشته است. با این حال، تحریم‌های اعمال‌شده عواقب فوری و شدید داشته‌اند.

در ۸ ژانویه ۲۰۲۶، آقای دوغرو یک فراخوان فوری در پلتفرم رسانه اجتماعی X منتشر کرد و اظهار داشت:

«فوری: از حالا، من به هیچ پولی دسترسی ندارم. نمی‌توانم برای خانواده‌ام، از جمله ۲ نوزاد تازه متولد شده، غذا فراهم کنم، به دلیل تحریم‌های اتحادیه اروپا. قبلاً به من دسترسی به ۵۰۶ یورو برای بقا داده شده بود که حالا آن هم غیرقابل دسترسی است. بانک من آن را مسدود کرده. اتحادیه اروپا de facto کودکان من را هم تحریم کرده.»

این بیانیه وضعیت **محرومیت کامل مالی** را توصیف می‌کند، از جمله از دست دادن دسترسی به 資金هایی که قبلاً تحت معافیت‌های انسانی برای پوشش نیازهای اساسی مجاز شده بودند. طبق گفته آقای دوغرو، مسدود کردن این 資金ها توسط بانکش او را قادر به خرید غذا، پوشش هزینه‌های مسکن یا پزشکی، یا تأمین نیازهای اساسی خانواده‌اش، از جمله دو کودک نوزاد، نکرده است.

تا اوایل ۲۰۲۶، وضعیت آقای دوغرو همچنان حل‌نشده باقی مانده است. اعتراض او علیه تحریم‌ها در سپتامبر ۲۰۲۵ رد شد و شواهدی که برای لیست شدن او ذکر شده تنها شامل روزنامه‌نگاری و اظهارنظرهای عمومی او است. هیچ derogation یا آزادسازی انسانی 資金ها رخ نداده و تأثیر مداوم و شدید این اقدامات را برجسته می‌کند.

به طور انتقادی، عدم کامل دسترسی به 資金ها همچنین آقای دوغرو را ناتوان از استخدام وکیل حقوقی کرده است. در نتیجه، او وسایل عملی برای دریافت مشاوره حقوقی یا پیگیری جبران قضایی علیه تحریم‌های اعمال‌شده بر او را ندارد. بنابراین، او مشمول اقدامات محدودکننده شدید است در حالی که از نظر مالی ناتوان از چالش قانونی بودن آنهاست.

حفاظت‌های رسمی جاسازی شده در چارچوب تحریم‌های اتحادیه اروپا — که دقیقاً برای جلوگیری از چنین نتایجی طراحی شده‌اند — در این مورد، نتوانسته‌اند عمل کنند.

وضعیت آقای دوغرو یک مثال ملموس و فوری از مشکل حقوقی گسترده‌تری است که در این مقاله بررسی می‌شود: چگونه تحریم‌های اتحادیه اروپا، وقتی به شیوه‌ای اجرا می‌شوند که منجر به محرومیت کامل، انکار دفاع حقوقی و آسیب به کودکان وابسته می‌شود، دیگر به عنوان اقدامات preventive قانونی عمل نمی‌کنند و در عوض به عنوان مجازات فراقضایی عمل می‌کنند که با اصول اساسی قانون اساسی و تعهدات حقوق بشری ناسازگار است.

محرومیت شدید مادی و رفتار غیرانسانی

یک اصل اساسی حقوق بشر حفاظت از کرامت انسانی است. اقداماتی که فرد را از توانایی تأمین نیازهای اساسی — غذا، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی و کمک حقوقی — محروم می‌کنند، به هسته این اصل ضربه می‌زنند.

ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (ECHR) رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز را به طور مطلق ممنوع می‌کند. در حالی که سنتی با بازداشت یا سوءاستفاده فیزیکی مرتبط است، jurisprudence دیوان اروپایی حقوق بشر [] می‌کند که محرومیت مادی تحمیل شده توسط دولت، وقتی به اندازه کافی شدید و قابل پیش‌بینی باشد، ممکن است به آستانه ماده ۳ برسد. مسدود کردن کامل دارایی‌ها که فرد را بدون هیچ دسترسی به پول می‌گذارد، شرایطی ناسازگار با کرامت انسانی ایجاد می‌کند، به ویژه وقتی محرومیت طولانی و اجتناب‌ناپذیر باشد.

این نگرانی‌ها وقتی تحریم‌ها به طور قابل پیش‌بینی کودکان وابسته را تحت تأثیر قرار می‌دهند، تشدید می‌شود. حقوق بین‌الملل، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، نیازمند است که منافع برتر کودک در تمام اقدامات دولتی یک ملاحظه اصلی باشد. تحریم‌هایی که کودکان را از غذا، سرپناه یا مراقبت پزشکی محروم می‌کنند — حتی به طور غیرمستقیم — نوعی مجازات جمعی تشکیل می‌دهند. چنین نتایجی نه incidental و نه unforeseeable هستند و بنابراین مسئولیت مقامات تحریم‌کننده را درگیر می‌کنند.

حفاظت‌های حقوقی ساخته شده در چارچوب تحریم‌های اتحادیه اروپا

مهم است که غیرقانونی بودن محرومیت کامل نه تنها یک انتقاد حقوق بشری خارجی است؛ بلکه صریحاً در چارچوب تحریم‌های اتحادیه اروپا خود [] شده است. مقررات مسدود کردن دارایی‌های اتحادیه اروپا معمولاً شامل حفاظت‌های الزامی هستند که اجازه دسترسی به 資金ها برای:

- نیازهای اساسی، از جمله غذا، اجاره، خدمات عمومی، درمان پزشکی و مراقبت از کودک؛ و
- هزینه‌های حرفه‌ای معقول، از جمله هزینه‌های مرتبط با خدمات حقوقی.

این معافیت‌ها نه gestures انسانی اختیاری بلکه الزامات حقوقی هستند که تعهدات اتحادیه اروپا تحت منشور حقوق اساسی، ECHR و اصول عمومی حقوق اتحادیه اروپا مانند تناسب و حفاظت قضایی مؤثر را منعکس می‌کنند. گنجاندن آنها یک شناخت صریح است که تحریم‌ها نباید افراد را به فقر کاهش دهند یا توانایی دفاع از خودشان را مسدود کنند.

شکست حفاظت‌ها و غیرقانونی بودن محرومیت کامل

جایی که، علی‌رغم این حفاظت‌ها، یک فرد تحریم‌شده با عدم دسترسی کامل به 資金ها، از جمله کمک‌های معیشتی قبلاً مجاز، مواجه است، تحریم‌ها دیگر به طور قانونی اعمال نمی‌شوند. چنین وضعیتی یک نقض خود مقررات تحریم را نشان می‌دهد، نه تنها یک نتیجه اداری unfortunate.

اگر مؤسسات مالی یا مقامات ملی دسترسی به 資金های معاف را مسدود کنند، محرومیت ناشی از آن legally به دولت و نظم حقوقی اتحادیه اروپا attributable است. انکار دسترسی به 資金ها برای خدمات حقوقی به ویژه جدی است: حق به یک درمان مؤثر تحت ماده ۴۷ منشور اتحادیه اروپا نه تنها دسترسی رسمی به دادگاه‌ها بلکه توانایی عملی 行使 آن حق را نیازمند است. سیستمی که فرد را از پرداخت به وکیل حقوقی جلوگیری می‌کند، هر چالش معنادار به اقدامات اعمال‌شده را غیرفعال می‌کند و بررسی قضایی را به یک formality توخالی تبدیل می‌کند.

شکست حفاظت‌ها به ویژه grave است جایی که کودکان تحت تأثیر هستند. چارچوب تحریم‌ها مجازات گرسنگی یا بی‌خانمانی minors را نمی‌دهد. وقتی معافیت‌ها در چنین شرایطی شکست می‌خورند، اقدامات با اصل منافع برتر کودک و با استانداردهای اساسی کرامت انسانی irreconcilable می‌شوند.

به طور حیاتی، این شکست تحریم‌ها را از شخصیت claimed preventive آن 剥 می‌کند. اقدامات preventive باید محدود، calibrated و reversible باشند. وقتی حفاظت‌ها collapse و محرومیت مطلق می‌شود، تحریم‌ها طبیعت coercive و punitive به خود می‌گیرند و به عنوان penalties فراقضایی عمل می‌کنند نه ابزارهای regulatory قانونی.

حق به فرآیند قانونی و حفاظت قضایی مؤثر

فرآیند قانونی یک cornerstone دموکراسی قانون اساسی است. ماده ۶ ECHR و ماده ۴۷ منشور اتحادیه اروپا حق به یک hearing عادلانه، حق به اطلاع از اتهامات و حق به بررسی قضایی مؤثر توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف را تضمین می‌کنند.

رژیم‌های تحریم اتحادیه اروپا اغلب از این الزامات short می‌افتند. افراد ممکن است توسط تصمیم اجرایی بر اساس grounds undisclosed یا vaguely articulated لیست شوند، اغلب بر اساس intelligence محرمانه. تحریم‌ها معمولاً فوری 生效 می‌کنند، در حالی که بررسی قضایی — اگر موجود باشد — تنها پس از inflict شدید harm رخ می‌دهد.

جایی که افراد با هیچ جرم کیفری متهم نمی‌شوند و از حفاظت‌های procedural مرتبط با proceedings کیفری محروم هستند، اما مشمول عواقب comparable به penalties کیفری می‌شوند، تحریم‌ها essence فرآیند قانونی را نقض می‌کنند. این ساختار “punish first, review later” اساساً با rule of law ناسازگار است.

Foreseeability و Nullum Poena Sine Lege مشکل

اصل nullum poena sine lege، که در ماده ۷ ECHR enshrined است، مجازات بدون قانون پیشین را ممنوع می‌کند و نیازمند است که norms حقوقی accessible و foreseeable باشند. افراد باید بتوانند از قبل بفهمند چه رفتاری ممکن است آنها را به عواقب punitive expose کند.

تحریم‌های اتحادیه اروپا این اصل را وقتی **undermine** می‌کنند که رفتار غیرقانونی — مانند فعالیت روزنامه‌نگاری یا سیاسی قانونی — را **penalize** کنند یا وقتی **criteria** لیست کردن چنان **vague** باشند که افراد نتوانند عواقب اقداماتشان را **reasonably foresee** کنند. اگرچه تحریم‌ها **formally** به عنوان “**preventive**” **labeled** می‌شوند، شدت، **stigma** و **duration potentially indefinite** آنها شخصیت **substantive** مجازات به آنها می‌دهد.

بر اساس اصول **established** در **Kadi v. Commission**، دادگاه‌های اتحادیه اروپا نیازمند هستند که تحریم‌ها توسط **evidence substantiated** و **proportionate** به **objective purported** باشند. در مورد آقای دوغرو، **framing** گزارشگری قانونی **pro-Palestine** به عنوان “**destabilising**” (تنها **tenuously** به **narratives** **geopolitical broader** مرتبط) نگرانی‌های جدی **proportionality** را مطرح می‌کند.

طبقه‌بندی حقوقی نمی‌تواند واقعیت حقوقی را **override** کند. اقداماتی که به عنوان مجازات عمل می‌کنند باید مشمول **constraints** حقوقی **governing** مجازات باشند. اجازه دادن خلاف آن یکی از اساسی‌ترین حفاظت‌ها علیه قدرت **arbitrary** را **hollow** می‌کند.

آزادی بیان و سانسور غیرمستقیم

جایی که تحریم‌ها به کار روزنامه‌نگاری یا بیان سیاسی مرتبط هستند، **violations** قانون اساسی ایجاد می‌شود. ماده ۱۰ ECHR و ماده ۱۱ منشور اتحادیه اروپا آزادی بیان را حفاظت می‌کنند، به ویژه **speech** سیاسی و روزنامه‌نگاری که موقعیت **privileged** در جامعه دموکراتیک اشغال می‌کند.

فعالیت روزنامه‌نگاری از حفاظت **heightened** برخوردار است، همانطور که در **Steel and Morris v. United Kingdom** منعکس شده، به ویژه وقتی در مورد مسائل **public interest** گزارش می‌دهد. محرومیت مالی تحمیل شده توسط **decree** اجرایی می‌تواند به عنوان نوعی سانسور غیرمستقیم مؤثر عمل کند. برخلاف **prosecution** کیفری، آن **scrutiny** عمومی و حفاظت‌های **procedural** را اجتناب می‌کند در حالی که همان اثر **silencing** را به دست می‌آورد. چنین **interference** نمی‌تواند **justified** باشد مگر اینکه **lawful, necessary** و **proportionate** باشد — **criteria** که وقتی تحریم‌ها بیان قانونی را بدون **findings** قضایی **wrongdoing** سرکوب می‌کنند و دسترسی به **remedies** حقوقی را جلوگیری می‌کنند، برآورده نمی‌شود.

تحریم‌ها به عنوان مجازات فراقضایی

در مجموع، این عناصر نشان می‌دهند که برخی رژیم‌های تحریم اتحادیه اروپا به عنوان مجازات فراقضایی عمل می‌کنند. آنها **harm** شدید و **individualized** تحمیل می‌کنند؛ بر اساس **alleged wrongdoing** هستند؛ **criminal** **procedure** را **bypass** می‌کنند؛ و بدون حفاظت‌های مؤثر یا کنترل قضایی **timely enforced** می‌شوند.

عدم یک **label** کیفری طبیعت **punitive** آنها را **negate** نمی‌کند. حقوق قانون اساسی و بشر اقدامات را بر اساس **substance** و **effect** آنها ارزیابی می‌کند، نه **designation** رسمی‌شان. وقتی تحریم‌ها عواقب **penalties** کیفری را **replicate** می‌کنند در حالی که از حفاظت‌هایی که مجازات را قانونی می‌کنند **evade** می‌کنند، **separation of** **powers** را **undermine** می‌کنند و خود **rule of law** را **erode** می‌کنند.

نتیجه‌گیری

تحریم‌های اتحادیه اروپا که منجر به محرومیت مالی کامل، انکار دسترسی به معافیت‌های انسانی و دفاع حقوقی legally mandated، مسدود کردن remedies قضایی مؤثر و harm foreseeable به کودکان وابسته می‌شوند، اصول اساسی قانون اساسی و حقوق بشری را نقض می‌کنند. علی‌رغم characterization رسمی‌شان به عنوان اقدامات preventive، چنین تحریم‌هایی در عمل به عنوان مجازات فراقضایی عمل می‌کنند — تحمیل شده بدون قانون، بدون trial و بدون dignity. اگر اتحادیه اروپا بخواهد به تعهد foundational خود به حقوق بشر و rule of law وفادار بماند، رژیم‌های تحریم باید مشمول limits substantive و procedural rigorous شوند تا اطمینان حاصل شود که هیچ فردی خارج از bounds فرآیند قضایی قانونی مجازات نشود.

منابع

- منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا، ۲۰۱۲ ۳۹۱ (C ۳۲۶). O.J.
- کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (کنوانسیون اروپایی حقوق بشر)، ۴ نوامبر ۱۹۵۰، ۲۱۳ U.N.T.S. ۲۲۱
- کنوانسیون حقوق کودک، ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، ۱۵۷۷ U.N.T.S.
- دیوان عدالت اتحادیه اروپا. **Kadi and Al Barakaat International Foundation v. Council and Commission** (Joined Cases C-۴۰۲/۰۵ P and C-۴۱۵/۰۵ P). حکم ۳ سپتامبر ۲۰۰۸.
- دیوان عدالت اتحادیه اروپا. **Kadi v. Commission** (Case C-۵۸۴/۱۰ P, C-۵۹۳/۱۰ P, and C-۵۹۵/۱۰ P). حکم ۱۸ ژوئیه ۲۰۱۳.
- دیوان اروپایی حقوق بشر. **Golder v. United Kingdom**. حکم ۲۱ فوریه ۱۹۷۵.
- دیوان اروپایی حقوق بشر. **Airey v. Ireland**. حکم ۹ اکتبر ۱۹۷۹.
- دیوان اروپایی حقوق بشر. **Steel and Morris v. United Kingdom**. حکم ۱۵ فوریه ۲۰۰۵.
- دیوان اروپایی حقوق بشر. **M.S.S. v. Belgium and Greece**. حکم ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱.
- دیوان اروپایی حقوق بشر. **Al-Dulimi and Montana Management Inc. v. Switzerland**. حکم ۲۱ ژوئن ۲۰۱۶.
- مقررات شورای اتحادیه اروپا (EU) ۲۰۲۴/۲۶۴۲ No. در مورد اقدامات محدودکننده در مورد اقدامات بی‌ثبات‌کننده اتحادیه و کشورهای عضو آن، به همراه اصلاحات (مثلاً ۲۵/۹۶۵).
 - کمیسیون اروپا. **Guidelines on the implementation and evaluation of restrictive measures (sanctions) in the framework of the EU Common Foreign and Security Policy**. آخرین نسخه consolidated.
 - کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد. **General Comment No. ۲۹: States of Emergency (Article ۴)**, CCPR/C/۲۱/Rev.۱/Add.۱۱.
 - گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد ترویج و حفاظت از حق آزادی عقیده و بیان. **Report on the impact of sanctions on freedom of expression**, A/HRC/۴۵/۲۵.
- Besselink, Leonard F. M. "The Protection of Fundamental Rights Post-Lisbon: The Interaction Between the Charter of Fundamental Rights of the European Union and

the European Convention on Human Rights.” **Common Market Law Review** 49, no. 4
(2012): 1315–1346

Eckes, Christina. **EU Counter-Terrorist Sanctions and Fundamental Rights: The •**
Case of Individual Sanctions. Oxford: Oxford University Press, 2009

Guild, Elspeth, and Sergio Carrera. “Sanctions and Due Process.” **European Law •**
Journal 16, no. 2 (2010): 157–176